هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و چهارم ۱۱جدی ۱۳۸۹ ۲۵ محرم ۱٤۳۲ - 1 Jan 2011

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

سرمقاله

سفر هیأت شورای عالی صلح به پاکستان

ص۲

عضویت در ایکو چه نفعی به افغانستان دارد؟

ص۳

جمعیت اسلامی؛ رهبری جنگ، رهبری صلح

- مخالفان طرح صلح، چه کسانی اند؟
- صلح شعار امروز ما نیست
- جهاد مسلحانه
- جنگ با مخالفان مسلح
- جنگ با طالبان
- سابقه و شناخت طرف

* جمعیت اسلامی از همان آغاز به حیث یک جریان فکری ـ سیاسی به راه افتاده و اصلاً جنگ در قاموس آن جایی نداشته است! اما همه می دانیم که آغازگرجنگ ها چه کسان و چه حلقاتی در داخل و خارج کشور بوده اند که هرگز نمی خواهند، کشور ما روی صلح و آشتی را ببیند!

***

* یکی از برجستگی های بارز جمعیت اسلامی و رهبری آن، داشتن روابط سابقه و شناخت طرف مقابل است! افراد غیر ذیدخل به دلیل کمی اطلاعات و معلومات شان نمی توانند به زودی به یک راه حل برسند. موضوع مهم دیگر، داشتن نفوس و اطلاعات است. جمعیت اسلامی و رهبری آن که در داخل و خارج از محبوبیت فراوان برخوردار است، توان آن را دارد که مخالفان بر آن اعتماد نمایند و به فیصله های طرف، احترام بگذارند.

افغانستان در سال ۲۰۱۰



سال ۲۰۱۰ درشرایطی به پایان رسید که افغانستان همچنان درگیر مشکلات امنیتی، اقتصادی وسیاسی است و دورنمای روشنی برای یک آیندهٔ مطمئن هنوزهم به نظر نمی رسد

ص۲

پاکستان ته د سولې د عالي شورى د پلاوي سفر به څه پایلې ولري؟

شفیق

د سولې عالي شورى پریکړه کړې چې د مرغومي د میاشتې په دوهمه اونۍ کې د پروفیسور برهان الدین رباني په مشرۍ یو لوړ پوړى پلاوى ګاونډي هیواد پاکستان ته سفر وکړي هغه هیواد چې د افغانستان د اوسني دولت د مخالفینو په ملاتړ تورن، او د څه د پاسه دریو لسیزو راهیسې پرله پسې تحولاتو کې نیغ په نیغه دخیل او د پام وړ لورى دي.

د سولې د عالي شورا اوسنۍ پریکړه پداسې حالاتو کې را مینځته کیږي چې نږدې یوه نیم میاشت وړاندې د لزبون په کنفرانس کې د ناټو د غړو هیوادونو لخوا دا پریکړه وشوه چې تر دوه زره او څوارلسم میلادي کاله پورې به دوې افغان امنیتي ارګانونه د کم او کیفیت له مخې پیاوړي کړي او د دوى ځواکونه به لدې هیواد څخه ووځي خو د افغانستان سره د اوږدو ستراتیژیکو اړیکو پر بنیاد به یې بیا هم د حضور ځینې بنې موجودې وي.

همدارنګه پدې موده کې د سولې دعالي شورا هم چې مشري یې د افغانستان پخواني ولسمشر پروفیسور رباني ته ورکړای شوې ده ـ د خپل بنسټ له ورځې راهیسې د افغانستان بیلا بیلو ولایتونو ته د سولې د هڅو د پراخولو او د شورى په ولایتي سطحو د بنیادونو جوړولو لپاره سفرونه کړي چې ددې سفرونو له مینځه د هرات. قندهار او جلال آباد

۶مخ

زمستان، فقر گسترده و سکوت دولت نتیجه اش فاجعهٔ انسانی خواهد بود

ص۶

از وضع جرس قافلهٔ ما گله دارد

ص۴

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان

شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹

Website: www.mujahedweekly.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

سفر هیأت شورای عالی صلح به پاکستان

حدود سه دهه است که مردم کشورما در ناامنی بسر می برند. عدم رشد اقتصاد، سطح پائین تعلیم و تربیه، ویران شدن نیمی از آبادانی کشور، مهاجرت و آوارگی، به شهادت رسیدن ها و معلول و معیوب شدن ها، و بسا ناهنجاری های اجتماعی، فقط و فقط ناشی از ناامنی و جنگ در کشور می باشدکه مردم ما را سخت نگران ساخته و همه روزه به میزان رنج شان افزوده می شود. هر روزی که می گذرد شاهدکشته، زخمی و معلول و معیوب شدن تعدادی از مردم هستند، چنانچه سازمان ملل متحد در این اواخر طی گزارشی از کشته شدن ۲٤۰۰ نفر غیر نظامی و مجروح شدن ۳۸۰۰ تن خبر داده است که ۲۵ درصد افزایش این تلفات را نسبت به سال گذشته در افغانستان وانمود می کند.

بناء آن هایی که طعم تلخ جنگ و ویرانی و تباهی را بیشتر چشیده اند، شدیدا چشم به راه صلح و آرامش در کشور می باشند. مبرهن است که امنیت و آرامش در اولویت پیشرفت یک جامعه قرار دارد تا فضای امنیت در کشور حاکم نباشد و مردم با خاطر آرام و آسوده و بدون هراس نتوانند به کارهای شان رسیدگی نمایند به یقین که باعث عقب مانی جامعه می شود و این عقب مانی هاست که باشندگان کشور را عناصر محتاج و دست نگر تبدیل می سازد و عواقب وخیم آن همانا روی آوردن مردم بالاخص جوانان به سوی انحرافات اخلاقی، اعتیاد به مواد مخدر، دزدی و قرار گرفتن در صف نیروهای مسلح غیر مسوول و تروریستان می شود.

شورای عالی صلح که به ریاست استاد برهان الدین ربانی، به منظور تماس با مخالفین مسلح و ختم جنگ و درگیری در کشور تأسیس شده است و از مدتی به اینسو با جدیت د راین راستا کار می کند، هیئتی از این شورا به ریاست استاد برهان الدین ربانی سفری به ولایات قندهار، هرات و ننگرهار داشتند و با والیان این حوزه ها، محاسن سفیدان و متنفذین روی چگونگی آوردن صلح و ثبات در کشور صحبت نمودند. به قول یکی از اعضای این شورا، چنین دیدوبازدیدها با مخالفین مسلح نیز صورت گرفته که جزئیات آن بنا به دلایلی مکتوم است.

قرار است در این هفته، هیئتی از شورای عالی صلح به ریاست استاد برهان الدین ربانی سفری به کشور پاکستان داشته باشند. این سفر پس از آن صورت می گیرد که از جانب صدراعظم پاکستان آقای یوسف رضا گیلانی در سفری که دو هفته پیش به کابل داشت، و از جناب استاد دعوت صورت گرفت و قبل از آن از جانب مولانا فضل الرحمن رهبر جمعیت العلمای پاکستان دعوتنامه مواصلت ورزیده بود.

نقش کشورهای همسایه به خصوص پاکستان در آوردن صلح و ثبات در کشورما از اهمیت خاصی برخوردار است. امیدواری بر این است که با سفر این هیئت، روابط دو کشور بیشتر از پیش بهبود یافته، و طرف پاکستان صادقانه در راستای آوردن صلح و ثبات در افغانستان همکاری نماید. زیرا آمدن صلح به نفع هر دو کشور (افغانستان و پاکستان) است.

ابوبکر سبزوار

افغانستان در سال ۲۰۱۰



سالی که گذشت هم برای افغان ها و هم برای نیروهای خارجی مستقر در این کشور، سالی خونین و دشوار بود. از آغاز تا اخیر این سال بیش از هفتصد تن از نیروهای خارجی در افغانستان کشته شدند که نزدیک به ۵۰۰ تن از آنان امریکایی بودند. تعداد نامشخصی هم مجروح شدند.

در این سال صدها تن از نیروهای نظامی و امنیتی افغان نیز در جنگ ها کشته و تعداد بیشتری هم مجروح شدند. این تلفات در شرایطی اتفاق افتاد که آغاز سال ۲۰۱۰ برای افغان ها با یک خبر مهم توام بود و آن اینکه امریکا قصد دارد استراتژی جدیدی را برای افغانستان طرح ریزی نماید تا از میزان خشونت ها کاسته شده و مردم افغانستان فرصتی برای نفس کشیدن در یک فضای صلح آمیز را بیابند.

قبلا جنرال مک کریستال وظیفه یافته بود تا در مورد استراتژی جدید به حکومت امریکا مشوره بدهد. مک کریستال با برکناری جنرال مک کرنان به این سمت برگزیده شد. به این نظر بود که امریکا در حال باختن جنگ در افغانستان است وبرای اینکه از این حالت جلوگیری گردد لازم است تا حدود پنجاه هزار سرباز تازه نفس به افغانستان فرستاده شود.

این خواست مک کریستال با سیاست وعده داده شدهٔ اوباما در دوران انتخابات ریاست جمهوری مطابقت داشت که گفته بود در صورت رسیدن به قدرت، سربازان امریکایی را از عراق خارج نموده و به افغانستان خواهد فرستاد اما وی بر سر تعداد سربازانی که باید به افغانستان فرستاده شوند بسرعت تصمیم نگرفت.

دلیل این تاخیر را باید در اقتصاد مریض امریکا جستجو کرد که با بحران شدیدی دست به گریبان بود. اوباما از یک طرف باید به اقتصاد کشورش و از جانب دیگر به مهمترین مسئله در سیاست خارجی امریکا یعنی به جنگ در افغانستان سروسامان می داد. سرانجام اوباما به اعزام سی هزار سرباز به افغانستان توافق نمود و قرار شد تا ده هزار سرباز دیگر را کشور های دیگر عضو ناتو تدارک نمایند.

سال ۲۰۱۰ سال تلاش امریکا برای در دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ از طالبان بود. در حمله به مارجه که بخشی از ولسوالی نادعلی ولایت هلمند است، پانزده هزار سرباز خارجی سهم گرفتند. این عملیات بزرگترین عملیات نظامی بود که از سال ۲۰۰۱ تا آن زمان در افغانستان به راه افتاد.

در این سال جنرال مک کریستال فرمانده نیروهای امریکایی و ناتو بعد از مصاحبه با یک نشریهٔ امریکایی که در آن از بعضی از مقامات دولتی کشورش انتقاد کرده بود، از کناره گیری کرد و جای خود را به جنرال پتریوس داد.

در حالی که خارجی ها و در راس ایالات متحدهٔ امریکا برای شکست طالبان به گزینهٔ نظامی بیشتر تاکید داشت، اما شرایطی را هم برای مذاکره با طالبان اعلام نمود. این شرایط شامل کمک های مالی به طالبانی می شد که دست از جنگ می کشیدند و قانون اساسی افغانستان را می پذیرفتند. در حقیقت هدف از تشدید عملیات نظامی همانگونه که فرماندهان نظامی امریکا و ناتو اعلام داشتند این بود تا طالبان تضعیف گردند و به مذاکره حاضر شوند. به عبارهٔ دیگر مذاکره در شرایطی می تواند موثر باشد که طالبان خود را در موقعیت برتر احساس نکنند.

بعد از ماه ها اعلام آمادگی برای عملیات قندهار، سرانجام این عملیات نیز آغاز شد ولی نتوانست به هدافی که در نظر بود برسد. در کنار برنامه های نظامی خارجی ها برای شکست طالبان که به نظر می رسد زیاد موفق نبود، حکومت افغانستان تلاش های خود را به منظور یافتن راه هایی برای صلح و تفاهم با طالبان شدت بخشید. برای این کار شورای مشورتی صلح در کابل دایر گردید که شرکت کنندگان این شورا روی مصالحه و تفاهم با مخالفین مسلح تاکید ورزیدند.

مدتی بعد از تشکیل شورای مشورتی صلح، شورای عالی صلح توسط رئیس جمهور کرزی به میان آمد که اعضای آن را خودش انتصاب نمود. این شورا استاد برهان الدین ربانی را به حیث رئیس انتخاب کرد.

در حالی که عدم پیروزی چشمگیر در بخش نظامی نشان داد که جنگ افغانستان به خاطر عواملی که از خارج موجب تحریک آن می شود، سخت پیچیده است، باراک اوباما از آغاز خروج نیروهای این کشور از نیمهٔ سال ۲۰۱۱ از افغانستان خبر داد. اعلام این خبر را مخالفین مسلح دولت افغانستان شاهدی بر شکست نیروهای خارجی دانسته و با روحیهٔ قوی تر به حملات شان ادامه دادند که موجب بلند رفتن تلفات نیروهای خارجی و همچنان غیرنظامیان افغان شد.

در روزهای اخیر سال ۲۰۱۰ قصر سفید به بازنگری در استراتژی نظامی این کشور در افغانستان پرداخت و از کارکرد استراتژی ابراز رضائیت نمود در حالی که سوالات زیادی در این رابطه هنوز بی جواب باقی مانده است؛ آیا کاهش عملیات نظامی طالبان ناشی از شکست آنهاست و یا سردی هوا از گرمی جنگ کاسته است.

نکتهٔ دیگری که به آن اصلا توجه نشد، نقش پاکستان در ناامنی های افغانستان بود که هنوز هم از طرف حکومت افغانستان به عنوان یکی از مهمترین عوامل در جنگ تلقی می شود. سال ۲۰۱۰ برای پاکستان سال آفت بزرگ طبیعی و سیل بود که خسارات شدیدی به این کشور وارد کرد و همین مسئله تا حدی موجب گردید تا مشکل پاکستان با افغانستان را تحت الشعاع قرار دهد.

در بازنگری به استراتژی قصر سفید در مورد افغانستان، سال ۲۰۱۴ به عنوان سالی که مسوولیت کامل امنیتی به نیروهای افغان سپرده خواهد شد، اعلام گردید. اما در مورد اینکه نیروهای افغان تا آن زمان از چنین ظرفیتی برخوردار خواهند شد شک و شبهه وجود دارد. این شک به این دلیل ابراز می شود که نیروهای خارجی سال های زیادی را که باید صرف رسیدن به این هدف می شد به هدر دادند. اگر آنها به صورت جدی به آموزش و مسلح ساختن نیروهای افغان توجه نکنند، ممکن است این هدف در سال ۲۰۱۴ نیز برآورده نشود.

امسال در افغانستان انتخابات پارلمانی صورت گرفت که با تقلب و تخلفات گسترده توام بود. مشکلی که با پایان یافتن سال ۲۰۱۰ هم به پایان نرسید و هنوز هم ادامه دارد. قرار است تا در اول دلو پارلمان جدید افتتاح و شروع به کار نماید.

در رابطه با مشکل ناامنی ها، موضوع فساد اداری از مسایل مهم و تاثیر گذار بر این روند است اما در این سال هم افغانستان شاهد مبارزه با این پدیدهٔ شوم نبود.

در بخش اقتصادی کمک های کشورهای خارجی به خصوص ایالات متحدهٔ امریکا به افغانستان ادامه یافت اما در روز های آخرسال، بازرس ارشد امریکا در مورد کمک های این کشور به افغانستان پس از بررسی های لازم اعلام داشت که بخش بزرگی از کمک های امریکا به افغانستان ضایع شده است. یک تحقیق دیگر نشان داد که بخش بزرگی از حدود پنجاه و شش میلیارد دالر کمک اقتصادی امریکا به افغانستان که به منظور بازسازی به مصرف رسیده، فاقد شفافیت لازم بوده و حیف و میل شده است. حکومت افغانستان موسسات خارجی را مسوول این فساد می داند.

در این سال تلاش های حکومت افغانستان برای ازدیاد عواید داخلی به شکل ازدیاد تعرفه های مالیاتی ادامه یافت که موجب بلندرفتن قیمت ها گردید که به زیان اقشاری از مصرف کنندگان که عاید ثابت دارند تمام شد. سیاست های غلط مالیاتی از یکطرف و ناامنی ها از جانب دیگر موجب گریز سرمایه به خارج از کشور گردید.

بهرحال سال ۲۰۱۰ درشرایطی به پایان رسید که افغانستان همچنان درگیر مشکلات امنیتی، اقتصادی وسیاسی است و دورنمای روشنی برای یک آیندهٔ مطمئن هنوزهم به نظر نمی رسد. بیکاری همچنان بیداد می کند در حالی که مشکل مهاجرین افغان در کشورهای همسایه همچنان سردی خود باقیست.

عضویت در ایکو

چه نفعی به افغانستان دارد؟

وحید مژده



گردهمایی سران عضو ایکو در استانبول ترکیه به پایان رسید. در این گردهمایی هیئات افغانستان تحت ریاست رئیس جمهور کرزی اشتراک نمود. یکبار دیگر سران کشور های عضو در حضور خبرنگاران دست همدیگر را فشردند، به روی هم لبخند زدند تا نشان دهند که همه چیز به خوبی به پیش می رود.

هرکدام در سخنرانی های خویش از ضرورت همکاری های اقتصادی میان کشور های عضو سخن گفتند ولی حرف های اصلی روی مسایل دیگری متمرکز بود که رابطۀ مستقیم به همکاری های اقتصادی نداشت، مانند همکاری های استخباراتی میان بعضی از کشور های عضو این سازمان و امکان دادن یک دفتر نمایندگی به طالبان. آنچه که در این کنفرانس به آن کمتر پرداخته شد، مشکلات ترانزیتی و اقتصادی میان کشور های عضو بود.

ایکو یعنی چه؟

اکو یا Economic Cooperation Organization (ECO) (سازمان همکاری های اقتصادی) پیمانی است که در سال ۱۳۶۹ میان وزرای خارجۀ کشور های ترکیه، ایران و پاکستان در شهر ازمیر ترکیه به امضا رسید. این سازمان در حقیقت شکل تغییر یافتۀ پیمان Regional Cooperation for Development (پیمان همکاری منطقوی برای انکشاف) است که در سال ۱۳۴۳ میان سه کشور فوق در شهر استانبول ترکیه به امضا رسیده بود. از آن به بعد تغییرات مهمی در سطح بین المللی بخصوص بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به میان آمد که یکی از عوامل تغییر این سازمان به ایکو بود.

با این تغییر، فرصتی فراهم آمد تا دامنۀ همکاری ها وسیع تر شود. کشور های تازه به استقلال رسیدۀ آسیای میانه چون تاجیکستان، ازبکستان، آذربایجان، قزاقستان، قرغیزستان، ترکمنستان، در این پیمان عضویت یافتند و افغانستان نیز به عنوان کشوری که می توانست راه ارتباطی میان آسیای میانه و جنوب آسیا را ممکن سازد، به عضویت این سازمان درآمد.

ایکو را می توان از نظر جمعیت کشور های عضو آن که ۴۰۰ میلیون جمعیت را شامل می شود، بزرگترین تشکل اقتصادی در جهان اسلام دانست. کشورهای عضو این سازمان می توانند نقطۀ تماس میان سه قارۀ آسیا، اروپا و افریقا باشند و نیز به خاطر منابع عظیم طبیعی این کشورها، ایکو می تواند نقش مهمی در تحولات اقتصادی منطقه و حتی جهان بازی نماید به این شرط که اعضای آن واقعا قصد همکاری با همدیگر را داشته باشند.

هدف از تشکیل ایکو

به میان آمدن ایکو همانگونه که از نامش پیداست، گسترش همکاری های اقتصادی میان اعضای این سازمان است که فقط به سه هدف مهم آن اشاره می شود:

- گسترش تجارت میان کشور های عضو این سازمان از راه دسترسی آزادانه به بازار های یکدیگر.
- از میان برداشتن سیاست های غیرمنصفانۀ تجارتی از جمله کاهش موانع بر سر راه تجارت میان دول عضو در چهارچوب سیاست تعرفۀ ترجیحی ایکو.
- تلاش در جهت به میان آمدن فضای مناسب و مساعد برای هر کشور عضو به منظور رشد مداوم اقتصادی به منظور بلند بردن سطح زندگی مردم.

در شمار همکاری های مهم منطقوی ایکو، تلاش مشترک برای دستیابی به بازار های خارج از منطقه مورد توافق قرار گرفته است.

ایکو در عمل

با این طول و تفصیل که در هر گردهمایی روی آن تاکید صورت می گیرد، در عمل این سازمان از ایجاد یک رابطۀ موثر اقتصادی میان اعضای آن عاجز بوده است. وقتی به مشکلات در روابط اقتصادی میان اعضای این سازمان توجه می کنیم، می بینیم که لااقل برای افغانستان، وجود یا عدم وجود این سازمان تاثیری روی مشکلات ترانزیتی این کشور نداشته است.

به عنوان مثال قرارداد ترانزیت میان افغانستان و پاکستان از ده ها سال قبل وجود دارد اما همه ساله حکومت پاکستان در مواقع خاص با ایجاد مشکلات ترانزیتی برای افغانستان، ده ها میلیون دالر به تجار افغان خسارت وارد می آورد. این کار حکومت پاکستان تخلف از قرارداد ترانزیتی میان دو کشور است.

پاکستان مانع تجارت افغانستان از مسیر خاک خود با هندوستان است و حتی از کمک های غذایی هند به افغانستان هم جلوگیری می کند. هزاران تن گندم امدادی هندوستان از دوسال به این طرف اجازه نیافته است تا از مسیر پاکستان به افغانستان انتقال یابد و حکومت افغانستان اکنون در نظر دارد آنرا از مسیر ایران به افغانستان بیاورد که مصارف بیشتری را ایجاب می نماید.

امسال روی یک قرار داد جدید ترانزیتی میان دو کشور موافقت صورت گرفت. بر بنیاد قرارداد جدید موتر های باربری افغانستان اجازه خواهند یافت تا مانند موترهای پاکستانی که اجازۀ آمدن به بنادر افغانستان را دارند، به بنادر آنکشور رفت و آمد نمایند اما با وجود امضای این قرارداد، تاکنون پاکستان از پیاده شدن آن در عمل سر باز زده است. از طرف دیگر همین اکنون هزاران کانتینر مال تجار افغانی در بندر کراچی توسط پاکستان معطل قرار داده شده است. عملی که موجب می گردد همه ساله تجار افغانی مبالغ هنگفتی بنام دیمرج به پاکستان بپردازند.

این تنها پاکستان نیست که با آن مشکل داریم: بیش از ۱۶۰۰ تانکر تیل افغانستان در آنسوی مرز با ایران از جانب مقامات ایرانی متوقف ساخته شده است. سفر مارشال محمد قسیم فهیم معاون اول ریاست جمهوری به ایران و مذاکرات وی این خوشبینی را به میان آورد که شاید مشکل حل شده باشد اما اکنون مشخص شده که مشکل بحال خود باقیست.

دلیل این کار چیست؟ آیا واقعا همانگونه که مقامات ایرانی گفته اند این تیل به مصرف نیروهای خارجی می رسد؟ تشخیص این کار بسیار مشکل است که چه مقدار از این تیل به مصرف نظامی خواهد رسید اما متضرر اصلی در این جریان مصرف کننده های افغان هستند. زیرا ضرری که از این طریق به تاجران وارد آمد، بروی قیمت علاوه خواهد شد و این مردم اند تا مصارفی را که تاجران از بابت تاخیر و توقف در ایران متقبل شدند بپردازند.

طوریکه می بینیم همین اکنون که سرمای زمستان از راه رسیده، قیمت ها به شدت افزایش یافته است. این در حالیست که تلاش جریان دارد تا در میان افغان ها این مفکوره را به میان آورند که اگر نیروهای خارجی از افغانستان خارج شوند، همسایه های افغانستان این کشور را به مصیبت های بیشتری مواجه خواهند ساخت. پس باید افغان ها بپذیرند که ادامۀ حضور این نیروها برای افغانستان ضروری است.

گاهی مسیر مواصلاتی از جانب کشورهای آسیای میانه هم مسدود می شود. این مشکل به دلایل تخنیکی در داخل آن کشور ها به میان می آید ولی قبل از آن به جانب افغانی در رابطه اطلاعی داده نمی شود و به همین دلیل افغانستان به یک حالت غیرمترقبه مواجه می شود که موجب متضرر شدن تجار و مصرف کننده های عادی تیل می گردد.

با این تفصیل این سوال به میان می آید که جایگاه ایکو در رابطه به رفع این مشکلات چیست؟ وقتی اهدافی که ایکو در برنامۀ عمل خود قرار داده است در عمل پیاده نمی شود و مشکلات میان کشور های عضو به حال خود باقی می ماند، پس نفعی که عضویت در ایکو چه نفعی برای افغانستان دارد؟ فقط همینکه در حاشیۀ کنفرانس، رئیس جمهور ما با روسای جمهور دیگر گپی می زند و وعده هایی می شنود که کمتر در عمل پیاده می شود؟ آیا این وضع موجب تضعیف همگرایی های منطقوی نمی شود؟

د قبایلی سیمو باندی د بی پیلوته...

ارتش ملی، نظام بهداشتی... به همکاری ترک ها بنیانگذاری شده است.

در سال های اخیر این کشور میزبان چندین کنفرانس راجع به قضیه افغانستان بود و راجع به بحران های داخلی کشورما طی سالیان اخیر اقدامات خیرخواهانه داشته است. با توجه به ظرفیت های موجود در این کشور اکنون نزدیک است به سخنگوی دنیای اسلام در روابط بین المللی تبدیل شود. نقش تأثیر گذار و آفرینشگر ترکیه را حتی کشورهای اسلامی مانند ایران وسعودی که گاه گاهی چشم وهم چشمی دارند، انکار کرده نمی توانند.

این دو کشور یکی به دلیل چالش ها و نداشتن دپلوماسی فعال در روابط بین المللی و دومی به دلیل نزدیکی زیاد به امریکا وسیاست منفعل هرگونه بازی آنها را درمنطقه کم رنگ ساخته است.

اما ترکیه توانسته با عبور از بن بست های ملی، منطقه ای و بین المللی با دست باز عمل نموده به عنوان یک بازیگر خوب در منطقه تبدیل شود.

هفتۀ گذشته در حاشیۀ اجلاس ایکو یک بار دیگر از نقش میانجیگری ترکیه در قضیه افغانستان خبرها شنیده شد. مقامات این کشور تأکید کردند برای تأمین ثبات در افغانستان تلاش های بیشتر خواهند نمود.

وزیر امور خارجه ترکیه در گفت و گو با خبرنگاران افزود، ترکیه از هیچ اقدامی که به تأمین صلح و ثبات در افغانستان کمک کند، دریغ نخواهد کرد.

موضوع برگزاری مذاکرات صلح با گروه طالبان در حاشیۀ نشست سه جانبۀ رؤسای جمهوری ترکیه، افغانستان و پاکستان نیز در استانبول عنوان شد.

عبدالله گل رئیس جمهور ترکیه تصریح کرد، در صورتی که دولت افغانستان با این طرح مخالفت نکند به درخواست گروه طالبان مبنی بر گشایش دفتر برای پیشرفت مذاکرات جواب لبیک خواهد داد.

روز نامۀ الوطن چاپ عربستان سعودی نوشت: یکی از مهم‌ترین نتایج اجلاس ترکیه استقبال عبدالله گل، رئیس‌جمهور ترکیه، برای میزبانی این کشور از مذاکرات میان طالبان و دولت افغانستان بود.

هرچند اقدام اخیر یعنی گشایش دفتر برای طالبان، این گروه را مشروعیت سیاسی می بخشد خالی از ریسک یا خطر نیست، اما در صورتی که گروه طالبان نمایندۀ با صلاحیت را برای پیشبرد روند مذاکره معرفی کنند، ترکیه از آن استقبال می نماید.

دولت افغانستان از تلاش های ترکیه در امر باز گرداندن صلح وثبات استقبال نموده انتظار دارد این کشور با در نظر داشت حسن نیت واعتماد موجود بین طرفین، از راهکار های جدید در امر برگرداندن پرندۀ صلح که سال هاست از افغانستان کوچ نموده، استفاده نماید.

بعد از این که سعودهای از نقش میانجیگری بین دولت افغانستان وگروه طالبان به دلیل روابط این گروه با القاعده شانه خالی نمود اکنون چشم امید به ترکیه دوخته شده است و طرف های در گیر با اعتماد کامل از ترکیه می خواهند تا در قضیه افغانستان نقش ایفا کند.

کارشناسان معتقد اند ترکیه با ظرفیت های کلان سیاسی واقتصادی وحتی جغرافیایی می تواند در ایجاد هر نوع تحول نقش ایفا نماید.

هرچند این کشور دربعد داخلی مشکلاتی را با گروه "پی کی کی" دارد، اما فایق آمدن به این گونه چالش ها توسط قدرتی با این بزرگی وابتکار عمل درعرصۀ بین المل از امکانات وحتمی بودن بیشتر بر خوردار است. در روابط خارجی تنش های اخیر این کشور با اسرائیل برسر حملۀ ارتش رژیم غاصب به کاروان صلح که بیشتر آنها ترک ها بودند هنوز حل نشده است، اما گفته می شود منافع مشترک اقتصادی وموقعیت جئو پولیتک ترکیه با رژیم صهیونستی هر دو طرف را وادار به تمکین خواهد نمود.

با توجه به این که ترکیه یکی از کشور های مهم اسلامی است، در عین زمان روابط وی با دنیا در موقعیت بهتری قرار دارد، از کارایی وظرفیت بیشتر در حل قضایای پیچیده بر خوردار است.مخالفت های اخیر وی با اسرائیل نیز برای ترکیه در بین دنیای اسلام وجاهت بیشتر بخشیده واعتماد را نسبت به هر زمان دیگر زیاد نموده است. از سوی دیگر طی سه دهه درگیری هایی که در افغانستان ادامه داشت ترکیه به عنوان کشور بی طرف متهم به دخالت در امور داخلی افغانستان و یا حمایت از جناح خاص نیست، در صورتی ترکیه که بخواهد طرح مذاکره را میزبانی کند، طرف های درگیر به آن مخالفت نخواهندکرد.

انتظار می رود سیاست های معقول وپسندیدۀ ترکیه این کشور را به محور اصلی امیدهای از دست رفتۀ جهان اسلام، به خصوص افغانستان و حتی خاور میانه تبدیل نماید.

از وضع جرس قافلهٔ ما گله دارد

عبدالقیوم ملکزاد

این چه قرنست اینکه در خوابند بیداران همه
این چه دورست اینکه سرمستند هشیاران همه
(سنایی غزنوی رح)

چهار روز قبل(ششم جدی)، مصادف بود با سی ویکمین سالگرد تجاوز ارتش سرخ در افغانستان، روز تولد یک فاجعهٔ بزرگ، که زندگی نسلی را به تباهی کشاند.

روزی که از ما وارثان انقلاب شکوهمند اسلامی و بازماندگان جهاد، توقع و انتظار زیادی می رفت تا ضمن برشمردن دسایس، فتنه ها و جنایات اشغالگران، خاطره های تلخ و شیرین مجاهدت ها و فداکاری های سربازان اسلام و قربانی های بی شماری را که در راه خدا تقدیم شد، به عنوان شاهدان عینی، زنده سازیم و عزیزانی را به خاطر آوریم که عاشقانه در راه خدا جان بر افشاندند و با جاری ساختن جویبار های خون خویش، باغسار شرف، عزت و آزادی را آبیاری کردند وگیسوان مادر وطن را از چنگ اهریمنان وا رهانیدند.

بازماندگان شهدا و خانواده های معلولین و معیوبین و نسلی که داشتن وابستگی و نسبت به خانوادهٔ جهاد را، برای خود افتخار می دانند، حق دارند تا از آنانی گله و شکوه سردهند که سپاس و تحسین و قدردانی را از مجاهدان خدا جوی وپاسداران آزادی و دوستداران میهن، دریغ می نمایند.

چنین گله ها و شکایت ها بیشتر متوجه آنانی است که امروز از برکت خون گلگون شهیدان و از یمن مبارزات برحق مجاهدان، صاحب نام و نوا و نان شده اند.

دریغا وضع چنان دردناک و اسفبار است که به وضوح مشاهده می شود، برخی از یاران، چه آنانی که در سنگرگرم جهاد قرار داشتند و چه در جبههٔ بیان و قلم، امروز کمتر حاضر می شوند تا از موضع برحق مبارزات شان ـ به گونه ای که لازم است ـ دفاع نمایند و آن را افتخاری بزرگ برای خود و همسنگران شان محسوب بدارند.

به همین دلیل است که برخی از مردمان ستم سالار، یعنی آنانی که با آغاز قیام های خروشندهٔ مردم مسلمان، از ضعف ایمان، تاب فریاد بالندهٔ قیامگران را برخود ندیدند ، هراسان، دامن برچیدند وگریختند وبا درسوراخ ها خزیده ودر غلظت ظلمت پناه گرفتند. وحتی آنهایی که یورش قوی متجاوز و حاکمیت رژیم الحادی را با کف زدن و رقص و پایکوبی استقبال کردند، امروز جرئت خورده گیری و انتقاد از مجاهدین راستین را به خود می دهند و با کمال نا جوانمردی و بی انصافی، القاب و عناوین ناروایی را به آنان نسبت می دهند!

کجاست شرم تا دمی سر در گریبان واقعیت فرو برند و دور از حب وبغض بگویند: نباید پاداش مجاهدان، بی مهری باشد و تهمت های ناروا...!

آری، پاداش آنهایی که رزمیدن در راه خدا را فریضهٔ الهی و دفاع از وطن و عزت و آزادی را وجیبهٔ انسانی تلقی می کردند.

واقعاً برای آنان اعتراف به این حقیقت، بسیار دشوار است تا باری از زبان ایشان شنیده آید: این مجاهدان بودند که گفتند « لا اله الا الله» وطعم شگفت رستگاری را چشیدند و با برخاستن شان، کاخ ها در بلندای قامت باهمشان ، حقیر نمود وفرو افتاد."

بیگانگان را گله ای نیست؛ این قلم سزاوار می داند تا از آن دست نشرات داخلی، بالاخص رادیو ها وتلویزیون هایی که از سوی عده ای از سران مجاهدین، اداره و تمویل می شوند، گله به راه اندازد که چرا پیرامون رخداد های بزرگ و روز های مهمی چون ششم جدی -که تهاجم بیشرمانهٔ قوای شوروی سابق وهم پیمانان آن را درکشور ما به دنبال داشت و زمینهٔ قیام های گسترده و خروش دریاگونهٔ مردم را فراهم آورد- کمترسخن راندند؟ واز ارائهٔ هزاران پیام وکلامی که سزاوار گفتن برای چنین روزهای مهم بود، دریغ داشتند؟

آیا می توان منکر گستردگی فاجعه وتراژیدی وقتل وکشتارمردم به وسیلهٔ روسها ی متجاوز ومزدوران آن شد؟ کدام خانوادهٔ مسلمانی را در افغانستان می توان سراغ کرد که از نزول بلای عظیم الحاد ویورش بیگانه گان،متحمل مصایب جانکاه ودرد وداغ وماتم نشده باشد؟ چگونه ممکن است ازپیامدهای تلخ وناگوار بی خدایان ، یادی نکرد و از برابر آنان با بی تفاوتی وخموشی عبور کرد؟

این پرسش ها متوجه همهٔ ما، در رأس مسئولین محترم ج.ا.افغانستان، سران مجاهدین وبیشتر از همه نشرات مربوط به منسوبین جهاد است که فعالیت های شان ما شاءالله چشمگیر است ودیده ها را خیره می سازد!

بلی! چهار روز پیش مصادف با روز ششم جدی بود، یکی از بزرگترین رویدادهای تکاندهنده و تاریخی درکشورما؛ اما دریغ که نه شاهد همایشی برای تقبیح (غیراز اجتماعی که به همین مناسبت ازسوی علمای کشور تدارک دیده شد) بودیم ونه هم شبکه های تلویزیونی، بالاخص تلویزیون های وابسته به مجاهدین، وسایر رسانه ها، به گونه ای که لازم بود وظایف ومسئوولیت های شان را درقبال محکومیت تجاوزگران ودر راستای برجسته سازی نقش سپاهان اسلام و پاسداران وطن در دفع این تجاوز، انجام دادند.

شماری از دوستان با مشاهدهٔ وضعیتی که کم کم در حال پذیرفتن رنگ بی تفاوتی به خود می باشد، ابراز نگرانی و تأثر می کنند. ما نیز با ایشان همنواییم ومی پرسیم: آخر چرا در برابر جهاد بر حق و انقلاب شکوهمند اسلامی -که در راه تحقق اهداف مقدس آن بیش از دومیلیون انسان شهید شد- رفتار و دیدگاه برخی، خصمانه بوده باشد و رفتار عده ای از منسوبین خانوادهٔ جهاد، آمیخته با بی دردی و بی تفاوتی ...؟!

حدود بیشتر از سی سال از یورش اهریمن بر حریم زادگاه ما می گذرد؛ آیا زمین و زمان و خار و سنگ بیابان و در و دیوار خونین دیار ما می توانند فراموش کند که طی این مدت چه جنایت های هولناک وتکاندهنده ای نبود که انجام نیافت و یا چه تباهی ها و ویرانگری هایی نبودکه به وسیلهٔ تجاوز گران و دست نشاندگان آنها، بالای مردم بیچاره اعمال نشد؟

ما همه ساله شاهد آمد وشد این روز های فاجعه بار یعنی ششم جدی وهفتم ثور و روز های مشابه به آنهاهستیم. روز های خونینی که آبستن فاجعهٔ خونین و تراژیدی بزرگ اند. اینجاسخن مشخص ما، پیرامون رویداد ششم جدی است؛ روز غمبار ومصیبت زایی که همزمان با وقوع آن، مردم شاهد رویداد های تلخ و آتش باری ها وقتل وکشتار بی رحمانه به وسیلهٔ ارتش متجاوز و دست نشاندگان مسکو شدند. جنایت های هولناکی در هرکوی وبرزن به وقوع می پیوست وحالت زار مردم بیچاره این خونین دیار، مصداق این شعر شاعربود که با فریادی درد آلود سروده بود:

بدتر از ظلم هلاکو و زوال بغداد
حالت کشور آتش زدهٔ ما بنگر
شهر ما سوخته در آتش بیداد و ستم
دود آن سر زده در گنبد خضرا بنگر.

جای آن است که کتاب شکوه ها را برقرازیم وبا دلی اندوهناک بپرسیم که چرا – آنگونه که ایجاب می کرد- در مرکز و ولایات کشور، اجتماعات و کنفرانس هایی به منظور تقبیح جنایات و تجاوز، وبه هدف تکریم وادای سپاس از مجاهدت های سپاهیان اسلام، راه اندازی نشد، تا بدینوسیله ارواح شهیدان شاد می گشت ودرد های دل داغدیدگان اندکی تسکین می یافت ؟

این قلم ،از نشرات دیداری و شنیداری، جرایـد و روزنامه های منسوب به مجاهدان سخت گله مند است که چرا روز ششم جدی را برای ارائه درد ها و حکایات رنج ها وآلام ودلجویی ازخانواده های شهدا ومعلولین جهاد ومقاومت، تخصیص ندادند و برای غنا مندی پروگرام های شان به سراغ درد دیدگان نشتافتند وبه دیدارخانواده های شهدا و ملاقات معلولین مظلوم وسایر شاهدان عینی قدم رنجه نکردند، تا می شد درترکیب آنها به سراغ حماسه سرایان نیز می رفتندکه خامهٔ سیال شان غم انگیزترین وشور آفرین ترین سروده ها را، نثارمقدم سپاهیان خدا ونثار قلب پاره پارهٔ مادر وطن می کرد و باتمامت اندوه می سرود:

باغ در باغ همه سایهٔ پائیز شدست
نوبهاران امیدم چه غم انگیز شدست؟
به کدامین افق فاجعه فریاد زنم
داستان وطنم را که غم انگیز شدست
تا زمان زخم فجیعی زده بر قلب هنر
دفتر شعر من از فاجعه لبریز شدست!

امروز، چنین پرسش ها نه تنها، از سوی این قلم مطرح می گردد، بلکه بسیاری از مردمی که قلب های شان تا هنوز به یاد روز های خوب جهاد در راه خدا وشکوه وعزت وعظمت آن می تپد، می پرسند:

که چرا نباید کوشید پیغام خونین آمیخته با نغمه هایی که از حنجرهٔ خونین هریک از شهیدان عزیز راه اسلام و وطن و آزادی بیرون می تراوید، به نسل های امروز و فردای کشور انتقال بیابد؟

شهیدی که:

آخرین حرف ـ که آرامش جاوید لبانش گردید؛
طرح با عظمت آن لحظهٔ بدرودش بود:
«ای زمین، ای مادر!
راه من سوی تو بنمودند!
و پدر های پدر هامان نیز،
تا در این خاک نخفتند،
نیاسودند!»

باز با زبان شکوه تکرار می کنیم که چرا یاد آن روز های حماسه آفرین را ، گاه گاهی، به ویژه در روز های خاصی مثل شش جدی وهفت ثور وبیست وشش دلوو...، زنده نکنیم و گلبانگ رو حبخش تکبیر و شور و شکوه آن ایام پر ابهت وافتخار را -که در کوی و برزن خونین دیار ما طنین می افگند- تکرار ننمائیم. روز هایی که مردم از زبان سرایشگران، زبان به زبان نقل می کردند:

«... بهمن از قله فرود آمدنی است!
و تهیدست ترین مردم ده،
سنگ ایمان به فلاخن دارند.
افعی سرخ سر زخمی خود می خارد!

بگذارید شکوه سر دهم از سران و پیشاهنگان انقلاب اسلامی مان وبپرسم که چرا کمتر در اندیشهٔ احیای افتخارات جهاد هستند و مسئولانه به هوا خواهان و به نشرات زیر فرمان شان دستور نمی دهند تا قسمتی از پروگرام های نشراتی شان در محور زنده نگه داشتن ارزش های جهاد بچرخد ودر محور افتخارات بزرگ وحماسه های جاویدان؟ اکثر منسوبین جهاد، خصوصاً آنهایی که در سنگر های داغ ایمان و شهامت و شهادت قرار داشتند، عمری درخدمت جهاد گذرانیده واکنون پیرشده اند و بسیاری از آنها، روز های واپسین زنده ماندن شان را می گذرانند؛ رسالت بزرگ نشریه ها ، وسیمها وصدا هایی که ازآنها اشارت رفت، ثبت خاطره های شیرین مبارزات حق طلبانهٔ آنهاست .

امروز اگر نشرات منسوب به مجاهدین به این کار ها مبادرت نورزد، دیگر به چه کسانی می توان چشم امید دوخت واز آنها توقع برآورده شدن این آرزو ها را داشت ؟ دیدار با آنها و نقل قول هایی از زبان آنها به عنوان نمونه های مجسم حماسه و باقیات صالحات است و افتخارات بزرگ که باید برای ماندگار شدن آن دوره های پرافتخار کوشید و آن ها را در دل تاریخ ثبت کرد، تا بدین وسیله ارزش های یادشده از ذهن تاریخ و از اذهان نسل های بعدی، زدوده نشود.

این را نیز باید علاوه کنم:

نویسندگان زیادی هستند که دنبال سوژه می گردند وچه بهترکه قصه های پیکار های خونین با متجاوزان ودشمنان دین ووطن، از زبان سنگرداران ثبت وبازتاب یابد تا با الهام از این روایت ها، داستان هایی به نگارش درآیند و این قصه های واقعی، جای قصه های دروغین را پرکند، قصه هایی که شنیدن آنها، برای مخاطبان شور می آفرینند، مباهات می زاید و شوق می انگیزد.

آری، جای نگارش قصه های واقعی سنگرنشینان، داستان های هجوم گرسان،جنایات همدستان شیطان، روایات قتل وکشتار هورا کشان بی ایمان ، وازآن جمله قصهٔ تولد هیولا ودهشت در شب سیاه ششم جدی،... هنوز خالی است که مسئولیت بزرگ قلمداران وارباب رسانه هاست که بایدبه آنها بپردازند.

نشر چنین قصه ها، تنها الهام برای قصه نگاران وداستان پردازان نخواهد بود، شاعران نیز می توانند ازاین خرمن های پربار، خوشه ها برچنند. چنانچه استاد سخن خلیلی ازاین روایت های شورانگیز نمونه هایی دارد که ازآن جمله فقط به دوشعر وی اشاره می کنیم که یکی : « ناهیدو دختران قهرمان کابل» می باشد که با بند:

سحرشد مرغ حق برکنگرعرش برین پر زد
افق خندید وخورشید ازفراز کوه سربرزد
به کوی وبرزن کابل سیاه کفرسنگر زد
شعار پرچم داس وچکش را پشت هردر زد،

آغاز می یابد. و دیگری « در قهرمان» سروده ناهید نامه که در قالب داستان انشاد یافته- چنان شورانگیزوهیجان زاست که می پنداری ناهید و هزاران دختر همسن وسال با وی، همچنان تکبیرگویان، درحالی که ازدیدگان اشک آلودشان شعله های خشم ونفرت نمایان است، در دل خیابان های کابل داغدار قرار دارند و پرچم اعتراض بر کف خشمگینانه به لانه های متعفن دژخیمان وغلامان غیرت باختهٔ آنان یورش می آرند. حینی که قیامگرانی ازجمع آنها با فیرتیروتوپ دشمنان بزدل، به خاک وخون می افتند، شنیده می شود که همسنگران شان، بادل پرشور وآگنده ازایمان قوی، خطاب به سایرین فریاد می برمی دارند: خواهر!

مترس از دشمن خوانخوار و از تیرجگردوزش
مترس ازبمب آتشبار زهر آلود جانسوزش
مترس از گربگان لقمه خوار دست آموزش
بیک فریاد مستانه به خون ترکن سروپوزش.

پیرامون این شعر درجای دیگری ان شاءالله به تفصیل سخن خواهیم راند. زیرا قصد ما اینجا ارائهٔ نمونه های اشعار داستان گونه است. سرودهٔ دیگری که به قلم توانای استاد به اسلوب مثنوی انشادیافته، شعریست زیرعنوان « مادرافغان». شنیدن این قصهٔ منظوم هم سخت هیجان انگیزوشورآفرین می باشدکه با ابیات:

مادری درکشور آزادگان/ داشت فرزندی برومند جوان/ داده گلهای جوانی را به باد/ براميد آن گلستان مراد/...، شروع می شود این شعر مجموعاً حاوی (۱۲۴) بیت است. در موردش نیزباید مقالهٔ دیگری نوشته آید.

مرحوم استاد حنیف بلخی نیز(خدای رحمتش کند) سروده هایی بدین شیوه دارد. برای اینکه سخن به دراز نکشد، با آوردن شعری ازسخنور دردمند: عبدالجلیل شبگیر- که پولادیانش نیزخوانند- بحث کنونی را به پایان می بریم، تا ببینیم که آمدنش از دیار شبی به درازی قرن، چگونه صورت می پذیرد وچه تعریفی ازاین شب دارد وبالاخره در این "شب جهنمی" چه ها دیده وچه هاتوانسته بکند...؟ توجه می کنیم:

من ازشبی به درازای قرن می آیم.
شبی شنیع:
سراشیب لحظه های شکیب.
شب جهنمی ژر فنای قرن فریب.
و آستانهٔ دوزخ-

سپهر آتش و دود
فراختای عرصهٔ پرواز:
اوج فرود.
من از شبی به درازای قرن می آیم،
شبی که راند مرا تا حوالی هول
شبی که لاشه ام آویخت.
بر رواق سکوت
شبی که من به تماشای کرگسان رفتم.
شبی که ریخت شراب شرنگ بر آفاق.
شی که سوخت شهابی بلند-
در اعماق.
و من چو لاشهٔ ققنوس سرخ در آتش،
ز انفجار سیاهی به آسمان رفتم.
بهار خون نشسته آفاق سرد می خشکید؛
شبی که من زسرا شیب سالیان رفتم.
وفصل شبزده فصل گریستن بود.
پرندگان مهاجر،
هجای مرثیه را،
به های های بلند عبور می خواندند.
و من ز مشهد گلباغ ها گذر کردم.
شبی که موج بر آویخت با سواحل شب.
و از کرانهٔ خاموش آذرخش بتافت.
در امتداد درفشی که تند باد افراشت.
مرا به تربت خونین لاله ها آورد.
و من به پای گل اندود باغ های شهید؛
فروغناکترین اشک های خویش افشاندم.
و درنهایت سوگ،
تمام فصل مرثیه را
در سکوت بر خواندم.
از آن فواصل دور،
که شب به عمق درازای خویش در وحشت،
چو نقش پای قافله ها
در غبار پنهان بود.
و چشم، چشمهٔ سیال لحظه های شکیب؛
ز شهر بند فرو خفته گان گذر می کرد،
من از دریچه به بیرون نظاره می کردم.
در آن فواصل دور
که های های گریهٔ شب.
در شپیده شکست.
وتیر خشم گذرگاه خونی خورشید،
ردای ظلمی بر پاره را بگسست.
من از نهایت خشم
به سوی بازپسین شب ـ
[illegible] می کردم

جمعیت اسلامی؛ رهبری جنگ، رهبری صلح

محمد نسیم فقیری

از سوال هایی که در این روز ها در رابطه با صلح و رهبری آن مطرح می شود، نقش جمعیت اسلامی افغانستان در ایجاد و رهبری آن است! تعدادی از مخالفان جهاد، از طریق رسانه ها اعتراض دارند که چرا رهبر جمعیت اسلامی که رهبری جنگ را به عهده داشته اکنون رهبری صلح را نیز به عهده می گیرد؟

مخالفان طرح صلح، چه کسانی اند؟

در این امر شکی نیست که جمعیت اسلامی افغانستان همواره و در اکثر وقایع یک طرف جنگ بوده است. سوال این است که چرا جمعیت مجبور شده بود، چنین موقفی را اتخاذ نماید؟ ما در سطرهای آینده به این سوال پاسخ خواهیم داد.

اما مخالفان امروزی طرح صلح چه کسانی اند؟ همه می دانند که بعضی از افراد وابسته به گروه های سابق و شوروی وقت، امروز از طریق رسانه ها برضد طرح صلح و رهبری آن سخن پراگنی دارند. اکثر این افراد که زمانی در جاده های کابل، شعار های مرگ به امپریالیسم امریکا و انگلیس را سر می دادند، امروز در بستر امریکا و انگلیس آرمیده و از طریق رادیو و تلویزیون بی بی سی و رادیو آزادی و رسانه های داخلی، از هر تلاش بر ضد مجاهدین استفاده می کنند و امروز نیز قصد خرابکاری دارند ... همه می دانند که پس از پیروزی جهاد و حتی قبل از آن از سوی تنظیم های جهادی، عفو عمومی اعلان شد. این عفو شامل حال اکثر جلادان خون آشام تاریخ کشور ما بود و همگان را در افغانستان و دنیا به حیرت انداخت. پس از چهارده سال جنایت و خشونت و به زیرخاک کردن و قبرهای دسته جمعی و همه بدون محاکمه و اعلام رسمی و علنی و ... آیا در تاریخ منطقه و دنیا چنین چیزی دیده شده که فاتح بدون اقدام بالمثل همه جانیان را ببخشد و چوبه های دار را بنا نکند؟

این واقعاً عجیب و به یادماندنی است که پس از این همه وحشت و جنایت، همه آدمکشان بخشیده شدند و به صدای اعتراض تعدادی از مجاهدین نیز پاسخ قانع کننده ارائه نگردید و بخشش و ترحم پیامبر را مثال آوردند که پس از فتح مکه، همه را بخشید...

اعتراض کنندگان گفتند و نوشتند که پیامبر همه را بخشید اما چند نفر محدود را نام برد و گفت که حتی اگر در پرده های خانهٔ خدا مخفی شوند، بازهم از مجازات ما در امان نخواهند ماند!

بلی! عفو صورت گرفت، اما عفو شدگان که تعدادی در ارگان های دولت مجاهدین نیز کار کردند، بازهم علیه مجاهدین و دولت آنان گفتند و در آغوش گرم اروپا علیه مجاهدین نوشتند و ... درست است که برخی از آن ها هنوز از جنایات گذشته پشیمان اند و اکثر شان در گوشه ها خزیده و یا راهی دیار عدم گشته اند... اما تعدادی هنوزهم با همان شور و احساس سال های جنگ سرد، هنوز در بستر اروپا و غرب آرمیده و بر ضد جهاد و مجاهدین حرف می زنند! چه جای شرم و خجالت است بر آنانی که هنوز فریاد ها و شعارهای مرگ به امپریالیسم امریکا و انگلیس در جاده های کابل را مردم فراموش نکرده و شعار دهندگان دیروز، امروز در بستر اروپا بر ضد مجاهدین زهر پراگنی می کنند! هنوز از حلقوم رسانه های غربی چون رادیو و تلویزیون بی بی سی و آزادی و تلویزیون صدای آشنای امریکا در سالگرد تجاوز شش جدی از تجاوز بیشرمانهٔ شورویٔ دفاع می کنند و آن را حق قانونی می دانند!

چرا با گذشت سریع زمان، هنوزهم به مردم مراجعه نمی کنند و برگذشتهٔ خویش خط بطلان نمی کشند.

صلح شعار امروز ما نیست

جمعیت اسلامی از همان آغاز به حیث یک جریان فکری ـ سیاسی به راه افتاده و اصلاً جنگ در قاموس آن جایی نداشته است! اما همه می دانیم که آغازگرجنگ ها چه کسان و چه حلقاتی در داخل و خارج کشور بوده و هرگز نمی خواهند، کشور ما روی صلح و آشتی را ببیند!

جهاد مسلحانه :

روزی یکی از علمای نامدار در اجتماع بزرگی از علمای افغانستان در سال های آخر جهاد گفته بود و تعداد زیادی از حاضرین را آزرده ساخته بود که پس از پیروزی جهاد، باید قبر تره کی را پیدا کنیم و آن را اعمار و گلپوش بسازیم که حماقت های او باعث قیام و رشادت مردم ما شد و مرگ کمونیست ها را فراهم ساخت!

اگر اقدامات رژیم کودتای پس از ۷ ثور نمی بود و مردم را تحریک نمی کرد، جهاد پرعظمت افغانستان به این زودی و سرعت به راه نمی افتاد و گلیم رژیم بر سراقتدار را بر نمی چید!

واضح است که جنایت، خشونت، شکنجه و همه اقدامات حقوق بشر از سوی رژیم کودتا صورت گرفت و جهاد با این سرعت آغاز و نیرومند شد...

جنگ با مخالفان مسلح:

همزمان و پس از پیروزی مجاهدین، جمعی از افراد و گروه های کوچک و بزرگ برضد حکومت مجاهدین قرار گرفتند و اکثر با ادعای حقوق در شهر کابل به جنگ و محاذ آرایی پرداختند!

در این شکی نیست که در تاریخ افغانستان برای اولین بار حکومتی در افغانستان به میان آمده بود که از همه قومیت ها و همه احزاب و گروه های کوچک و بزرگ، نمایندگی می کرد، حتی افراد معروف و از اعضای کمیتهٔ اجرایی حزب اسلامی آقای حکمتیار در حکومت مجاهدین شرکت داشتند و حکمتیار مشغول جنگ بود!! دو بار به آقای حکمتیار پست صدارت تفویض شد و او در حکومت مجاهدین که با حملهٔ طالبان پایتخت را از دست داده صدراعظم بود! رهبری جمعیت به حیث رئیس جمهور به ولسوالی بگرامی رفت و با حکمتیار ملاقات کرد!

رهبر جمعیت اعلام کرد که به حیث رئیس جمهور حاضر است به کندهار برود و با ملاعمر دیدار کند!

جنگ با طالبان:

طالبان به حیث پرچم دار صلح و آشتی و مخالف راه بندان ها و گروه های مسلح غیر مسؤول و تعدد مراکز قدرت به میدان آمدند و در مرحلهٔ اول طرف تأیید دولت مجاهدین قرار گرفتند و منابعی را نیز دریافت داشتند....

طالبان همواره اصرار داشتند که قصد حکومت کردن را ندارند و مخالفان را از میان بر می دارند و...

در زمانی که شهر کابل در اشغال طالبان بود، گفتگو هایی با آنان صورت گرفت... در عشق آباد و تاشکند با طالبان مذاکره شد و دنیا از آن اطلاع یافت. در داخل نیز چندین بار مذاکره هایی صورت گرفت و نامه هایی مبادله شد...

سابقه و شناخت طرف:

یکی از برجستگی های بارز جمعیت اسلامی و رهبری آن، داشتن روابط سابقه و شناخت طرف مقابل است! افراد غیر ذیدخل به دلیل کمی اطلاعات و معلومات شان نمی توانند به زودی به یک راه حل برسند. موضوع مهم دیگر، داشتن نفوذ و اطلاعات است و جمعیت اسلامی و رهبری آن که در داخل و خارج از محبوبیت فراوان برخوردار است، توان آن را دارد که مخالفان بر آن اعتماد نمایند و به فیصله های طرف، احترام بگذارند.

سرنوشت انتخابات مجلس نمایندگان...

دیوان امنیت عامهٔ محکمهٔ استیناف ولایت کابل و قضاوتیار دل محمد مستشار دیوان امنیت عامهٔ ستره محکمه) می باشند.

در حالی که ریاست جمهوری تاریخ افتتاح پارلمان را ۳۰ جدی اعلام داشته است، دیده شود که این کمیسیون یک مرحله یی که سابقه یی در امور انتخاباتی و سیستم های آن را ندارند، چگونه خواهند توانست به زودی به این مشکل رسیدگی می نمایند بهرحال آرزومندی براین است که این کمیسیون بتواند بدون دخالت های داخلی و خارجی، واقعبینانه تصمیم اتخاذ نماید.

گمانه زنی ها براین است که، با این بی تفاوتی رئیس حکومت در برابر انتخابات و مهرسکوت بر لب نهادن، در مجلس آینده، موضعگیری های اکثریت اعضای مجلس نمایندگان در برابر حکومت، بدتر از موضعگیری های برخی از اعضای مجلس در سال گذشته خواهد بود. و همین موضعگیری ها سبب شد که حدود یک سال و نیم از دور دوم ریاست جمهوری آقای کرزی می گذرد، نتوانسته اعضای کابینه اش را تکمیل نماید.

نمایندهٔ سازمان ملل متحد در افغانستان، بعد از اعلان نتایج نهایی اعضای برندهٔ مجلس نمایندگان حمایت شان را از برگزاری این انتخابات اعلام داشته بود، هفتهٔ گذشته این مقام سازمان ملل حمایت شورای امنیت سازمان ملل متحد را نیز از این انتخابات اعلام کرد. درحالی که انتخابات دور دوم ریاست جمهوری را با همه تقلب گسترده یی که انعکاس جهانی داشت، حمایت جامعهٔ جهانی به آن خاتمه داد.

تا جایی که گذشت زمان به اثبات رسانیده است، در فضای یک بام و دو هو زیست داریم. آنچه به منفعت تمام شود از آن استقبال می کنیم، اما آنچه به ضرر ما بینجامد، آن را مغرضانه و مداخله گرانه می خوانیم. هرگاه کاندیدا های که امروز اعتراض دارند و از تصامیم قوهٔ قضائیهٔ کشور حمایت می نمایند، اگر فردا تصمیم این نهاد فیصله به ضررشان تمام شود بازهم تن نخواهند داد و خواهند گفت که، مداخله یی در کار بوده است.

در این کشور از فرد عادی تا مقام اول کشور، داد از عدم رعایت قانون می زنند. حال آنچه بی قانونی و قانون ستیزی در این کشور روی می دهد، بر می گردد به کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، که حدود یک سال از تشکیل این نهاد می گذرد. گرچه رئیس این کمیسیون گفته بود که بین نهادهای انتخاباتی و لوی سارنوالی که همه از قانون آگاهی دارند، وساطت می کند اما روی هر ملحوظی این گفته خاموش شد. و همچنان بر این کمیسیون است که ابلاغ نمایند کمیسیون یک مرحله یی از سوی ستره محکمه قانونی است و یا خیر! در حالی که بارها کمیسیون های انتخاباتی اظهار داشته اند که تصمیم گیرندهٔ انتخابات فقط این ها هستند و بس. نهاد های قضایی تنها در مسایل جرمی نهادهای عدلی و قضایی می توانند مطابق قانون عمل نمایند.



زمستان، فقر گسترده و سکوت دولت نتیجه اش فاجعهٔ انسانی خواهد بود

پوهندوی عبدالعلی کوهی

افغانستان از فقیر ترین کشور های جهان است، فقر در کشور از شهرهای بزرگ شروع و تا نقاط دور دست همه جا را فراگرفته است. با گذشت ده سال از حضور جامعهٔ جهانی در افغانستان و سرازیر شدن میلیاردها دالر، چندان تغییر مهم در حیات میلیون ها انسان فقیر این سرزمین رونما نگردیده است.

طبق آمار سازمان هایی بین المللی، کسانی که در زیر خط فقر زندگی می کنند، دو برابر شده است. امروز سرمایه گذاری در افغانستان روند نزولی به خود گرفته است و از هزاران شرکت آماده به سرمایه گذاری در افغانستان، معدودی از آن ها باقی مانده است. در یک همایش اتاق های تجارت و صنایع آمده است که در نتیجه بی توجهی دولت در حدود ۴۵۰۰ فابریکه تولیدی تعطیل گردیده است.

وزارت مالیه فقط در فکر جمع آوری مالیات است و بس و برنامهٔ مشخصی در خصوص اشتغال و کار در کشور وجود ندارد فقط گاه گاهی وزارت مالیه به بلند بردن تعرفه های گمرکی می پردازد و بس. در نتیجهٔ تعطیلی ۴۵۰۰ فابریکه در ولایات هرات و قندهار در حدود ۶۰ هزار نفر بیکار شده اند. به گفتهٔ این نهاد تجاری، در برنامهٔ کاری دولت کار و اشتغال وجود ندارد. در صورتی که وضعیت اقتصادی و امنیتی بدین منوال ادامه یابد، سرمایه داران داخلی و خارجی، گلیم خود را از این کشور خواهند کشید.

به گفتهٔ این اتاق، دولت در حال حاضر در زمینهٔ بهبود امور بازرگانی و صنایع تولیدی سیاست شفاف و مشخص ندارد و به همین دلیل از چهار ماه بدینسو در حدود ۴۰۰۰ کانتینر حاوی مواد اولیه در شهر کراچی پاکستان و مشکل تانکرهای سوخت در مرز ایران تا هنوز حل نگردیده است. از سوی دیگر زمستان در راه است. شهروندان ما و به ویژه کسانی که در شاهراه های سالنگ، شیبر، خاواک و غیره تردد دارند، در یک خوف و دلهره به سر می برند که مبادا در صورت برفباری های سنگین فاجعه سال پار بالای آنها تکرار گردد و دولت در این زمینه نه تنها بودیجهٔ مشخص؛ بلکه برنامهٔ روتین و ابتدایی را نیز روی دست ندارد.

هر لحظه ممکن است که خط اتصال میان شمال و جنوب نسبت مسدود شدن این شاهراه های بزرگ قطع گردد و در صورت تکرار شدن فاجعهٔ سال پار، شاهرگ های اقتصادی شمال و جنوب از هم پراگنده خواهد شد. توجه به شاهراه های بزرگ کشور در حقیقت توجه به زندگی میلیون ها انسان دو طرف هندوکش است. یک چنین دشواری ها و پیشبینی ها در شرایطی عنوان می شود که بیش از ۷۰ درصد مردم از بحران غذایی رنج می برند و ۳۶ درصد مردم در زیر خط فقر قرار دارند، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک چنین ارقام درشت را بعد از ارزیابی ارائه داشته است. بر اساس نتایج تحقیقات این نهاد بحران غذایی در افغانستان در حال شکل گیری است، ولایات شمالی و جنوبی کشور در یک خشک سالی وحشتناکی قرار گرفته است. این نهاد چنین نتیجه می گیرد که باید پالیسی ها در درجهٔ نخست برای کاهش تاثیرات خسارات زراعتی بر امنیت غذایی و سطح درآمد متمرکز باشد.

تخریب زمین های زراعتی و موجودیت مافیای زمین و عدم سرمایه گذاری درست، عوامل فقر و ناداری درکشور گردیده است. تحقیقات جهانی نشان می دهد که ۴۴ درصد مردم افغانستان به زراعت به عنوان نخستین منبع در آمد می نگرند و ۵۴ در صد مردم افغانستان زراعت را تامین کنندهٔ مواد اولیه معیشتی خود می دانند.

امروز یک عملکرد مشخص و هدفمند در جهت کاهش فقر در روستاها وجود ندارد؛ از همین رو فقر و تنگدستی روستا ها را تهدید می کنند و نتیجهٔ این فقر و تنگدستی در امنیت و ثبات سیاسی در کشور بی تاثیر نمی باشد. زمانی این روستایان بتوانند به رشد طبیعی و نیاز اولیه خود دست یابند، زمینه امنیت و ثبات سیاسی در کشور به وجود خواهد آمد.

آمار های سال گذشته جمعیت زیر خط فقر را در کشور در حدود بیشت از ۱۰ میلیون انسان نشان می دهد، اما گزارش امسال واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان ۳۶ درصد را در زیر خط فقر قرار داده است. این واحد تحقیق بر بحران غذایی در کشور نیز هشدار داده است، در صورتی که دولت مانند سال های گذشته در برابر این معضل بزرگ اجتماعی از خود بی تفاوتی نشان دهد، بحران به فاجعه تبدیل خواهد گردید.

دولت باید در سال جاری آمادگی کمک های اضطراری را داشته باشد و در این راستا دونرهای بین المللی نیز در جریان حوادث و وقایع قرار گیرند، در غیر این صورت با مواجه شدن با برف های سنگین زمستانی و مسدود شدن راه های دشوارگذار مشکلات چند برابر خواهد شد. تا زمانی که زمین های بایر مطابق حکم قانون اساسی افغانستان مورد بهره برداری قرار نگیرد و استراتیژی بلند مدت در این راستا از جانب دولت اتخاذ نگردد، مشکل بحران غذایی و فقر کماکان ادامه خواهد داشت. تبدیل نظام اقتصادی افغانستان به نظام بازار بدون آماده گی لازم، برنامه ریزی علمی و سپردن امور اقتصادی کشور به دست مدیران بی تجربه و نا کار آزمودهٔ داخلی و مشاوران خارجی بی خبر از اوضاع و احوال افغانستان به چنین معضل اقتصادی در کشور افزوده است. برنامه های دولت نتوانسته است، تا یک پوشش اقتصادی سراسری را در کشور ایجاد نماید، از سوی دیگر موجودیت فساد گستردهٔ اداری، نبود یک حکومت کارآ، حسابده، با مسوولیت و مردم گرا در معضل اقتصادی افغانستان نیز افزوده است، از کمک های جهانی عوض این که در جهت تقویهٔ نظام اداری سالم کار گرفته شود، در گسترش فساد اداری از آن بهره گیری می شود و حلقات مافیایی مردم افغانستان را همه روزه می بلعند و سرمایه های در کشور نابود می شوند و یا فرار می کنند. امروز دولت فاسد و بدون مسوولیت، یک مانع جدی در راه سرمایه گذاری و تقویت اقتصادی افغانستان مبدل شده است.

امروز دولت جز حرف زدن، چیزی برای عمل کردن ندارد. کمیسیون و اداراتی که در۴ راستای مبارزه با فساد اداری ایجاد شده است، خود به معضل دیگر در روند مبارزه با فساد اداری مبدل شده است. امروز سرمایه های کلان داخلی و خارجی از بیم تلف شدن سرمایه های شان، کشور را ترک نموده اند. موجودیت یک چنین فساد گسترده در ایجاد بد امنی اساسی می باشد، بلکه بر معضل و بحران اقتصادی خواهد افزود.

پاکستان ته د سولې د عالی شوری...

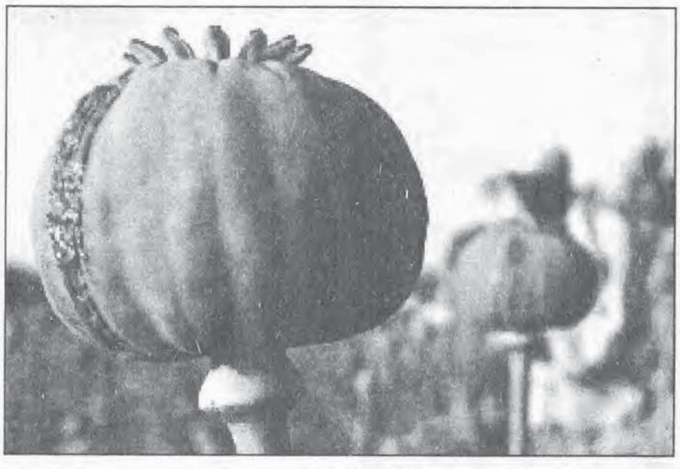
ښارونو ته د استاد رباني سفرونه د يادونې وړ دي ځکه د هيواد لويديځ، جنوب او ختيځ هغه لوري دي چې پکې د افغانستان د اوسني دولت مخالف ځواکونه د افغانستان د نورو سيمو او لوريو په پرتله ډير فعال دي بلې خواته له نږدې يوه کال راهيسې د افغانستان او پاکستان تر مينځه د حالاتو د ښه والي او روانې جګړې ته د پای ورکولو په منظور د نورو هڅو سربيره د اسلامي هيواد ترکيې د اوسني واکمن نظام د چارواکو لخوا پدې هکله د منځګړيتوب هلې ځلې هم چې پدې وروستيو کې ګړندۍ شوي او په تيره اونۍ کې د ايکو د سازمان د غونډې پر مهال د دريواړو (افغانستان، پاکستان او ترکيې) هيوادونو د ولسمشرانو ګډې ناستې هم د سيمې د دواړو هيوادونو تر مينځه د باور د زياتوالي لپاره اغيزمن رول لرلی دی لکه چې دری مياشتې وړاندې د مالديف په هيواد کې هم د افغانستان د دولت او مخالفو اړيکو ځينې لوري سره جرګه شوي وو څو د سولې لپاره هڅې نتيجې ته ورسيږي چې دغه ګرد واړه اقدامات دا په ډاګه کوي چې سوله نه يوازې دا چې د افغانانو بلکې د ګاونډيانو هم ورته اړتيا ده نو ځکه اړينه ده چې د سيمې دغه دواړه هيوادونه په ريښتونې معنا د سولې او له سيمې څخه د جګړې د تغر د ټولولو لپاره قدمونه اوچت کړي او هر يو خپل وجود د بل په نشتوالي او ضعيفوالي کې ونه ګوري. دا چې پدې هکله د سولې دعالي شوری پاکستان ته تلونکې پلاوي سفر به څومره لاسته راوړنه او څه پايلې ولري؟ د وخت څخه د مخه خبره ده خو يوه خبره چې څرګنده ده هغه داده چې څه موده وړاندې کابل ته د اصف علي زرداري د راتګ پر مهال نوموړي له څرګندونو څخه هم جوته شوه چې په سيمه کې روانه جګړه بايد نوره پای ته ورسيږي، او ريښتيا هم که روانه جګړه ادامه ومومي نو بيا يې پای ته رسول ناشوني وي.

که څه هم د پاکستان اوسنی حکومت پدې ورځو کې د خپلو داخلي ستونزو سره هم مخ دی: ځکه له يوې خوا ورځخه د مولانا فضل الرحمن ګوند جمعيت العلماء دوه اونۍ وړاندې خپله ليار جلا کړه او په روانه اونۍ کې ورځخه د کراچۍ د مهاجرينو د ګوند مشر الطاف حسين هم د خپل ملاتړ د اخستلو اعلان وکړ چې له دې سره د خلکو د ګوند حکومت د يو پراخه اپوزيسون او مخالفت سره مخ دی. خو بيا هم د سولې د عالي شورا د پلاوي سفير کولای شي په هغه صورت کې ښې لاسته راوړنې ولري چې له يوې خوا د واکمن رژيم پرته د پاکستان د مختلفو سياسي ګوندونو، اسلامي ډلو او د مدني ټولنو د استازو او د ای ايس ای د ځينو پخوانيو مشرانو سره هم که وکولای شي وګوري چې دغه کار د سولې د عالي شوری په ترکيب کې هم د ځينو ټکو په نظر کې نيولو غوښتنه کوي. د مثال په توګه د افغانستان د دولت په مخالفينو کې چې کوم لوري دي بايد د افغاني پلاوي په ترکيب کې هم داسې څيرې اوسي چې د هغوې د ملاتړو اسلامي ډلو لپاره د باور وړ وي او هم د پاکستان د مختلفو سياسي کړيو سره څه نا څه باور او وجاهت ولري څو هر اړخيزه باور ددې لامل شي چې دغه دواړه ګونډي هيوادونه د خپلمنځي باور په وسيله پر يو بل بد ګمانۍ او دښمنۍ پريږدي او هغه غوټه چې پخپلو کې د دوې په ناسته سپړل کيدای شي نورو ته يې وړاندې نه کړي.

د سولې د عالي شورا په ترکيب کې د دې هڅه شوې چې د افغانستان زيات مطرح او ځواکمن سياسي لوري پکې شامل شويدي څو د افغانستان د اوسني دولت د يووالي د اډانې حفاظت وکړي او دغه يووالي له داخل څخه سوری ونکړي خو تر کومه چې د افغانستان د دولت د مخالفينو د باور د لاسته راوړلو د هڅې په لړکې خبره وه، پدې هکله دغه ترکيب تر اوسه هم نيمګړتيا لري؛ ځکه د دولت د مخالفينو باور په هغو څيرو دومره نشته چې د دغو لوريو پخواني غړي، يعنې د طالبانو او يا اسلامي حزب پخواني چارواکي يا باوري څيرې وې بلکې د دې پرتله ښايې هغه څيرې د افغانستان د دولت د مخالفينو او د هغوې د پاکستني سياسي او يا فکري ملاتړ په وړاندې ژر د باور لاسته راوړونکي وګرځي چې د بن د پريکړې په نتيجه کې د راغلي اوسني نظام برخه نه دي ګرځيدلي او د دغه نظام طرح ورته نيمګړې ښکاريده او تر اوسه يې د بې پلوۍ سياست غوره کړي او په سياسي او فکري ډګر کې د شهرت او باور وړ خلک دي او کولای شي د دواړو لوريو تر مينځه د باور لامل شي.

آیا ۵۰۰ دستگاه مواد مخدر در بدخشان وجود دارد؟

ولایت بدخشان / گزارشگر محمدشریف شایق



اخیرا ویکتور ایوانوف رییس ادارهٔ مبارزه با مواد مخدر روسیه گفته است به اساس معلوماتی که ادارهٔ وی در اختیار دارد، در حدود ۵۰۰ دستگاه تولیده کننده مواد مخدر در ولایت بدخشان وجود دارد که تمام مواد مخدر تولید شده در آن ولایت به روسیه قاچاق می شود.

آژانس خبر رسانی ایتارتاس به نقل از این مقام ارشد روسی نوشته است که مقامات استخباراتی پاکستان هم موجودیت این لابراتوار ها را در مناطق شمالی افغانستان تصدیق می کنند.

در گزارش ایتارتاس به نقل از رئیس ادارهٔ مبارزه با مواد مخدر روسیه آمده است که نیاز است تا ۵۰۰ عملیات مشابه عملیات انجام شده در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار انجام شود تا بر روند قاچاق و تولید مواد مخدر تاثیر بگذارد.

ولایت بدخشان در سال های گذشته یکی از تولیدکنندگان عمده مواد مخدر در سطح افغانستان به حساب می آید که به گفتهٔ عبدالجمیل هدفمند رئیس ادارهٔ مبارزه با مواد مخدر بدخشان، این ولایت در سال ۲۰۰۶ دو هزار و یک صد و سی و پنج هکتار زمین تریاک کشت شده بود که از آن جمله فقط ۹۳۱ هکتار آن تخریب گردیده بود، اما در سال های اخیر میزان کشت کوکنار در این ولایت کاهش یافته است.

در سال جاری پنجصد و چهل و نه هکتار زمین کوکنار کشت شده بود که ۴۰۱ هکتار آن از سوی پولیس بدخشان تخریب گردید. در سال جاری پولیس بدخشان از تمام توان خود استفاده کرد تا مزارع خشخاش را در این ولایت تخریب کند.

مصدق الله مدیر مبارزه با مواد مخدر قوماندانی امنیهٔ بدخشان می گوید که امسال ۲۵۰۰ جریب زمین کوکنار کشت شده بود توسط پولیس تخریب گردید و بدخشان از حیث کوکنار در درجهٔ صفر قرار دارد.

به باور مسوولان محلی بدخشان کاهش کشت خشخاص در این ولایت واضح می سازد که رقم کارخانه های تولید کنندهٔ مواد مخدر همچنان کاهش یافته است.

اما شرکت روس ها در عملیاتی موفقانه انجام شده در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار که به تاریخ ۲۹ اکتبر سال جاری میلادی صورت گرفت و طی آن واحد مبارزه با مواد مخدر افغانستان و نیروهای بین المللی موفق به دستگیری یک تن هیرویئن شدند، اظهارات اخیر رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر روسیه را در مورد بدخشان به این باور قرین می سازد، اما اظهارات این مقام روسی با واکنش شدید مقامات محلی بدخشان رو بروشده و موجودیت ۵۰۰ کارخانه تولید کنندهٔ هیروئین در بدخشان به شدت رد شده است.

جنرال سید حسین صفوی آمر امنیت فرماندهی پولیس بدخشان می گوید: "مبارزه با مواد مخدر قاچاق و ترافیک آن کشت و محو کشت مواد مخدر یکی از مسوولیت های اصلی پولیس است و ما این مبارزهٔ بی امان را در طول سال داریم و این آماری را که مطبوعات اعلان کرده است ما تایید نمی کنیم چون از بدخشان هستیم و مسوول امنیتی بدخشان، بناءً شناخت دقیق از تمام موارد داریم".

آمر امنیت فرماندهی پولیس بدخشان می گوید که تنها در سال جاری، پولیس این ولایت موفق به تخریب نزدیک به بیست کارخانهٔ مواد مخدر شده و به صدها نفر افراد مظنون را دستگیر کرده و به سارنوالی تسلیم کرده و ده ها تُن مواد مخدر هم حریق شده است.

یکی از باشندگان بدخشان که از افشای هویتش خود داری کرد گفت که او به مواد مخدر معتاد است، موصوف از عدم رسیدگی دولت به وضعیت معتادان و عدم کنترول بازار هیروئین انتقاد کرده می گوید شمار معتادان در بدخشان رو به افزایش است و این واضح است کارخانه های مواد مخدر در بدخشان فراوان است، او می افزاید:" اگر کارخانه های تولید کننده هیروئین در بدخشان وجود ندارد پس هیروین را که ما می کشیم از کجا می آید؟ از هوا خو نمی آید در همی ولایت تولید می شود".

اما آمرامنیت ادارهٔ پولیس بدخشان می گوید که درحال حاضر اراضی بدخشان تحت نظارت پولیس و سایر ارگان های کشفی و امنیتی قرار دارد و وجود چنین ارقام بلند کارخانه های مواد مخدر در بدخشان ناممکن است.

وی می افزاید:" ما این را رد نمی کنیم که کشورهای همسایه اطلاعات خود را دارند ولی این اطلاعات درست نیست حتما مبالغه در این وجود دارد و شناخت ضعیف در مورد افغانستان، مردم افغانستان و جغرافیای افغانستان دارند و ما دیدم که در گذشته روس ها اشتباه کردند به اساس اشتباه تجاوز کردند و شکست خوردند و اعتراف هم کردند".

امین الله سهیل سخنگوی والی بدخشان نیز می گوید که ارزیابی که از سوی کمیسیون بین البدخشانی (بدخشان افغانستان و بدخشان کوهی تاجیکستان) صورت گرفته است نشان می دهد که میزان تولید و قاچاق مواد مخدر در مرزهای مشترک بدخشان با تاجیکستان کاهش یافته است.

موصوف همچنان می گوید که نیروهای مرزی بدخشان به صورت جدی تقویت شده اند و ارقامی را که روس ها در مورد دستگاه های تولید کننده هیروین در بدخشان داده کاملا مبالغه آمیز و دور از واقعیت است.

آقای سهیل می گوید که مقامات ولایت کوهی بدخشان تاجیکستان از مبارزهٔ جدی و پی گیری نیروهای امنیتی افغانستان در راستای مبارزه با مواد مخدر راضی هستند و این خود بیانگر آن است که در بدخشان به این پیمانه دستگاه های تولید کننده مواد مخدر وجود ندارد.

سمونوال مُصدق الله مدیر مبارزه با مواد مخدر قوماندانی امنیه بدخشان به رسانه ها گفته است، که چندین فابریکه تولید مواد مخدر توسط پولیس در ولسوالی های ارگو و کشم از بین برده شده است.

وی افزود که دراین مدت، ۱۰ تُن مواد مخدر از قبیل هیروئین، تریاک و چرس از این فابریکه ها نیز به دست آمده و شماری از افرادی که در فابریکه ها کار می کردند، بازداشت گردیده اند.

ذبیح الله عتیق رئیس شورای ولایتی نیز با رد اظهارات این مقام روسی گفته است چنین ارقام بلند کارخانه های مواد مخدر در بدخشان وجود ندارد.

در اوایل سال جاری خورشیدی هنگامی که جنرال محمد داوود داوود هنوز معین مبارزه با مواد وزارت امور داخله بود در سفری به بدخشان که به بهانهٔ آتش زدن یک محمولهٔ بزرگ مواد مخدر صورت گرفته بود، از کار و فعالیت پولیس بدخشان در راستای مبارزه با مواد مخدر به ویژه تخریب دستگاه های تولید کننده هیروئین تقدیر کرده و گفته بود که میزان قاچاق مواد مخدر در مرزهای بدخشان کاهش یافته است. آقای داوود گفته بود که پولیس بدخشان در سطح افغانستان بیشترین لابراتورهای مواد مخدر را به تنهایی خود تخریب کرده است.

فرزاد حافظی از فعالان رسانه یی در بدخشان اظهارات این مقام روسیه را دخالت در امور داخلی افغانستان دانسته و آن را غرض آلود توصیف می کند. موصوف می گوید که اگر چنین وضعیتی در بدخشان حاکم باشد نیروهای امنیتی بدخشان که عملکرد خوبی نسبت به سایر ولایات داشته اند می توانند آن را تخریب کنند اما چنین ادعا دور از واقعیت است.

جنرال رحمان الدین فرمانده کندک هفت سرحدی که واحد تحت امرش فاصله طولانی مرزهای بدخشان را تحت کنترول دارند، چندی قبل در مصاحبه یی با رادیو آزادی شمال گفته بود که پولیس مرزی آموزش های لازم را دیده اند و تجهیزات خوب در اختیار دارند و مبارزه با مواد مخدر نسبت به گذشته تشدید یافته است.

مقامات محلی در بدخشان می گویند در حال حاضر بیشتر از سی هزار نفر در بدخشان به مواد مخدر معتاد هستند که بیشتر آن هیروئین استفاده می کنند.

پولیس بدخشان در سال جاری با دادن تلفات جانی از هیچ تلاشی در جهت تخریب مزارع خشخاش و جلوگیری از ترافیک آن دریغ نورزید ولی سرانجام بدخشان از سوی سازمان جرایم و مواد مخدر ملل متحد عاری از کشت کوکنار اعلام نشد.

جمیل هدفمند رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر بدخشان می گوید که اراضی بدخشان با هلمند فرق می کند در بدخشان یافتن مزارعی که خشخاش کشت می شود بسیار دشوار است، او می گوید پولیس مخفی و پولیس مبارزه با مواد مخدر هفته ها و روز ها تلاش می کنند تا نقاطی را پیدا کنند که در آن اراضی کمی خشخاش کشت است. آقای هدفمند می گوید در هر نقطه یی که ما از وجود کشت خشخاش اطلاع یافتیم به آن رفتیم و آن را تخریب کردیم.

این که چرا دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل بدخشان را به عنوان ولایتی عاری از کشت کوکنار نپذیرفت؟ آقای هدفمند می گوید که آن ها استدلال کرده اند که از طریق قمر دیده شده است که در برخی مناطق ولسوالی ارگو مزارع کشت کوکنار تخریب نا شده باقی مانده و در مواردی هم گفته شده است که در برخی مناطق پروسه تخریب زمانی اجرا شده است که زارعان حاصل برداری کرده اند.

آقای هدفمند رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر بدخشان مانند سایر مقامات این ولایت اظهارات رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر روسیه را در مورد بدخشان رد کرده می گوید که در بدخشان هیچ کارخانه مجهز با وسایل پیشرفته وجود ندارد.

آقای هدفمند می گوید در نقاط بسیار دور افتاده قاچاقبران مواد مخدر از وسایل بسیار ابتدایی استفاده می کند ولی به صورت سیار کار می کنند که پولیس بدخشان هم برای سرکوب این دسته ها کار می کند.

رئیس ادارهٔ مبارزه با مواد مخدر بدخشان استدلال می کند که میزان قاچاق و ترافیک مواد مخدر در بدخشان نسبت به سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ به صورت جدی کاهش یافته و نیروهای امنیتی بدخشان باندهای مافیایی مواد مخدر را در این ولایت سرکوب کرده اند. بناءً وجود این ارقام بلند کارخانه های مواد مخدر در بدخشان ناممکن ست.

وی می گوید، اگر روس ها چنین اطلاعات دقیق را در اختیار دارند چرا آن را در دسترس نیروهای امنیتی بدخشان قرار نمی دهند تا این دستگاه ها تخریب شود.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و چهارم ۱۱جدی ۱۳۸۹ ۲۵ محرم ۱۴۳۲ - 1 Jan 2011

ترکیه و نقش صلحجویانهٔ آن در افغانستان

نذرالله عنایت



طی سال های اخیر ترکیه یکی از کشورهای مهم جهان اسلام به یک باز یگر فعال در روابط بین المللی تبدیل شده است. این کشور از مدت ها ست تلاش های خود را برای ایجاد فضای مطمئن با استفاده از ابزار هایی مانند اقتصاد پویا، موقعیت جغرافیایی، سیاست کارا در عرصه بین المللی، عضویت در ناتو در منطقه آغاز نموده است.

تلاش های پیگیر ترکیه در مسایل منطقه ای پیش از این که برای دیگر کشورها اهمیت داشته باشد، افزایش جایگاه وپرستیژ این کشور را به نمایش می گذارد.

ترک ها زمانی زعامت طولانی دنیای اسلام را عهده دار بودند، ظهور و بالآخره سقوط خلافت عثمانی میراث دار ترکیه امروزی، هنوز برای تعالی این کشور الهام بخش است.

رویکرد مدرنیزم در ترکیه این کشور را به سکوی بلندی از رفاه وآسایش مبدل ساخت و نهاد های ملی، با روح ملی گرایی ترکی که معجونی از ناسیونالیزم واسلام میانه بود ترکیه را به ملت واقعی تبدیل نمود. رویکرد مدرنیزم در این کشور به رهبری مصطفی کمال اتاترک و در افغانستان به رهبری شاه امان الله قرین هم می باشد. مدرنیته در ترکیه مایه گرفت وراه خود را پیمود، اما در افغانستان به د لایلی از جمله اصطکاک سنت و افراط در رویکردهای فعالان مدرن ساز، بی نتیجه ماند.

ترکیه در سیر تاریخ با افغانستان روابط خوب داشته و شالودهٔ ص۳

کمیتهٔ نظارت از فساد اداری با تفویض صلاحیت تفتیش نهاد های خارجی آغاز به کار کرد

آقای یاسین عثمانی رئیس نهاد جدیدالتأسیس(کمیتهٔ نظارت از فساد اداری) گفت: این کمیته صلاحیت دارد جلو فساد را در نهاد های داخلی و خارجی بگیرد.

کمیتهٔ نظارت از فساد اداری میتواند فعالیت ادارات دولتی و موسسات خارجی را نظارت کند

آقای عثمانی در تماس با رسانه ها گفت: از موجودیت فساد در نهاد های داخلی وخارجی انتقاد های زیاد وجود دارد، اما وی ابراز امید واری نمود که با ایجاد این کمیته جلو فساد در مؤسسات خارجی نیز گرفته خواهد شد.

گفته می شود این کمیته با عضویت اعضای داخلی وخارجی تشکیل شده است و صلاحیت دارد که امور مربوط به فساد اداری را در داخل ادارات دولتی و هم چنان مؤسسات بین المللی نظارت و ارزیابی کند. علاوه بر آن تمام فعالیت های پولی و تدارکاتی مؤسسات بین المللی را نیز می تواند نظارت کند.

اخیراً سر مفتش خاص امریکا در امور بازسازی افغانستان گفت بود که میلیارد ها دالر در امور بازسازی این کشور حیف و میل شده است، وی یکی از عوامل حیف و میل شدن این پول ها را موجودیت فساد اداری عنوان نموده بود.

کمیتهٔ جدید در حالی شروع به فعالیت نموده است که پیش از این کمیسونی به نام کمیسیونی مبارزه با فساد اداری در ساختار دولت وجود داشت. برخی از کارشناسان معتقد اند که ایجاد اداره ها و کمیته های مختلف سبب از بین بردن فساد اداری در کشور نمی گردد وتنها حضور این گونه کمیته ها کمیسیون ها، هیأت هایی که هر کدام به منظور خاصی تعیین شده اند بار اضافی تشکیلاتی در حکومت افغانستان خواهند بود.

تجربه نشان داده است که ایجاد کمیسیون های بی صلاحیت که جرئت تفتیش وباز پرس مقامات زورمند را ندارند، راه حل برای از بین بردن فساد نیست، بلکه عملکرد درست و صادقانهٔ دولت و مقامات بیرونی می تواند فساد را از ریشه محو نماید.

از مدت ها است که موجودیت فساد روابط حکومت افغانستان را با جامعهٔ بین المللی پر تنش ساخته است.

طرفین، یک دیگر را متهم به فساد می کنند، اما تا به کنون دیده نشده است که عاملان اصلی فساد از سوی حکومت و جامعهٔ جهانی به دادگاه معرفی شده باشد.

در همین حال شمار دیگری از کارشناسان می گویند که ایجاد ادارات بیشتر در خصوص مبارزه با فساد اداری، خود سبب افزایش فساد اداری می گردد.



سرنوشت انتخابات مجلس نمایندگان و ستره محکمه

در حالی که ریاست جمهوری تاریخ افتتاح پارلمان را ۳۰ جدی اعلام داشت است، دیده شود این کمیسیون یک مرحله یی که سابقه یی در امور انتخاباتی و سیستم های آن ندارند، چگونه خواهند توانست به زودی به این مشکل رسیدگی نمایند. بهرحال آرزومندی براین است که این کمیسیون بتواند بدون دخالت های داخلی و خارجی، واقعبینانه تصمیم اتخاذ نماید.

مصباح شعیب

بعد از دایر شدن انتخابات ۲۷ سنبله مجلس نمایندگان، کار ابتدایی و نهایی از سوی کمیسیون انتخابات و کمیسیون رسیدگی به شکایات پایان یافته اعلان شد. اما لوی حارنوالی منحیث مدعی العموم با در یافت به دلیل وجود اسناد و شکایاتی مبنی بر تقلب گسترده در روند انتخابات، مخالفت صورت گرفت لوی حارنوالی در موضوع خود سخت پای فشرد و حتی پیشنهاد کرد تا نتایج انتخابات باطل اعلان گردد. همین بود که موضوع به ستره محکمه محول گردید.

گرچه تا حال ستره محکمه در این راستا پیش داوری نکرده است، اما کمیسیون پنج نفری، یک مرحله یی را از قضات کشور جهت رسیدگی به اعتراضات کاندیدای معترض به ریاست جمهوری پیشنهاد و بعد از منظوری اسمای شان اعلام شد که در رأس این کمیسیون، قضاوتمل صدیق الله حقیق رئیس محکمهٔ استناف ولایت کابل توظیف شده و اعضای آن (قضاوتپوه عبدالرحیم کریمی رئیس محکمه استیناف ولایت بغلان، قضاوتمند فضل الرحمن فضلی رئیس محکمهٔ استیناف ولایت جوزجان، محمد صفا کریمی رئیس ص۷